



هر وقت حاشیه‌سازی تمام شد بفرمایید برای مردم چه کرده‌اید؟

مروری بر مواضع و اظهارات دولتمردان نشان می‌دهد آنان به جای پاسخگویی به مطالبات مردم و گزارش‌دهی درباره میزان عمل به وعده‌ها، حاشیه‌سازی و اظهارات جنجال‌برانگیز را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

مروری بر مواضع و اظهارات دولتمردان نشان می‌دهد آنان به جای پاسخگویی به مطالبات مردم و گزارش‌دهی درباره میزان عمل به وعده‌ها، حاشیه‌سازی و اظهارات جنجال‌برانگیز را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

سید رضا اکرمی، رئیس‌جمهوری؛ شورای فرهنگی نهاد ریاست‌جمهوری؛ 16 مرداد 95 در گفت‌وگو با ایرنا، مشی برخی دولتمردان را در دو جمله خلاصه کرد. او گفته بود: «سوئیدی حرف می‌زنند، آفریقایی عمل می‌کنیم»؛

اکرمی همچنین با اشاره به ماجرای حقوق‌های نامشروع نجومی و تمجید سخنگوی دولت از یکی از همین مدیران متخلف تصریح کرده بود «خداوند ان شاءالله نوبخت و صفدر حسینی را به موزه بسپارد. اگر صفدر حسینی آن گونه که نوبخت می‌گوید ذخیره نظام و امانتدار کشور بود، پس چرا او را از ریاست صندوق توسعه ملی برداشتید؟ خداوند به همه عقل بدهد»؛

مصادق دقیق آن دو جمله برخی مدیران دولت هستند که علی‌الدوام راهنمای چپ می‌زنند اما به راست می‌زنند؛ پیچند. از شفافیت و پاسخگویی و قانونمداری و تدبیر و تحمل منتقدان و شنیدن صدای مردم و رونق اقتصاد و ایجاد اشتغال و... حرف می‌زنند اما بخش عمده‌ای از رویکردشان، بر عکس این شعارها و ادعاها است. از چنین ترکیبی، فقط کاریکاتور در می‌آید؛ سر و زبانی فربه، با پیکری به غایت ظریف و نحیف. نگاهی گذرا به اظهارات دولتمردان گویای چنین رویکردی است. دولت حرف!

قریب به پنج سال از سکنداری دولت تدبیر و امید در قوه مجریه می‌گذرد. در این سالها بیشتر از عمل شاهد حرف بوده‌ایم؛ حرف‌هایی که برخی مصرف رسانه‌ای دارند، برخی کارکرد پنهان‌سازی کاستی‌ها، برخی برای تخریب رقیب و منتقدان، برخی هم مصارف پیچیده‌تری دارند که مهم‌ترین آن فربه کردن حواشی است تا به این واسطه متن از نظرها ناپدید شود و یا رنگ ببازد.

مصادیق موارد مذکور کم نیست، مواردی نظیر سخن گفتن از شفافیت که عملاً مواردی مانند پنهان ماندن قراردادهای بزرگ نفتی و قراردادهای خودروسازی با شرکت‌های فرانسوی و... همچنین نمونه دیگری از این عدم شفافیت مواردی از قبیل تعهدات دولتی است که در این دسته می‌توان از FATF (کارگروه اقدام مالی) و سند 2030 نام برد که پس از افشا شدن آن مردم و نمایندگان مجلس به وجود آنها پی بردند.

سرعت شگفت‌آور

در اجرای طرح‌های بیگانه

در باره اجرای سند 2030 دو موضوع مورد تاکید دولت را که در ادبیات دولتمردان بسامد بالایی دارند در نظر بیاورید: شفافیت و قانونمداری.

پس از افشای حرکت چراغ خاموش دولت در باره سند آموزشی 2030 موردی که توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد این بود که «در سایت‌های دولتی، نشانه‌ای از ابلاغ مستقیم سند آموزشی ۲۰۳۰ دیده نمی‌شود»؛ سندی که الزاماً باید به مجلس ارائه می‌شد و پس از بررسی نمایندگان و به شرط تصویب در صحن مجلس و شورای نگهبان قانون اساسی در دولت اجرایی می‌شد اما چنانکه گفته شد دولت خلاف قانون عمل کرد. پس حاشیه‌ها در این فقره نخست در بستر عمل دولت (که خلاف قانون بود) شکل گرفت. در روزهایی که این سند افشا شده بود و بحث‌ها پیرامون آن در رسانه‌ها و جامعه دانشگاهی و کارشناسان در جریان بود برخی از دولتمردان بحث‌های مطرح شده پیرامون این سند را محصول شبهه‌آفرینی منتقدان دولت عنوان کرده و به زعم خود مقصر را یافته و به مردم معرفی کردند! حال آنکه نخستین قدم را در قانون شکنی دولت برداشته بود و سپس مقوله عدم شفافیت چه در زمان اجرای چراغ خاموش آن و چه بعد از افشا موضوع دیگری بود که به صورت خودکار مولد حاشیه‌های دیگری می‌توانست باشد و شد. نکته بسیار مهم و البته تاسف‌آور این است که «سند تحول آموزش کشور» که سندی بومی و ملی است و توسط کارشناسان کشورمان تهیه و تنظیم شده سال‌هاست که خاک می‌خورد اما برای سند آموزشی-فرهنگی بیگانه چه سرعتی در اجرا لحاظ شد؟

اینها را رئیس‌جمهور نمی‌داند؟

علوم انسانی و علوم انسانی؛ اسلامی موضوعی است که سال؛ هنرهای متمدنی توسط کارشناسان و عالمان این حوزه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و مقالات و پژوهش؛ ها و سخنرانی؛ های تخصصی بسیاری در این باب ارائه شده است. بنابراین طبیعی است که نشود در یک سخنرانی و با استفاده از یک مثال نامنتطب و اساسا غلط آن را توضیح داد. به همین سبب طرح چنین مسایلی به مدد مثال؛ های ابتر و نامرتبب بستری است که بیشترین استعداد را برای تولید و زیست حاشیه دارد. ضمن آنکه مواردی در سخنرانی اخیر آقای روحانی مطرح می؛ شود که هم حیرت؛ آور و هم پرسش انگیز است. پرسش اصلی این است که آیا رئیس؛ جمهور اینها را نمی؛ داند؟ یا اینکه اصلا آنچه مهم است تولید موج؛ های در جامعه است. تلاطم؛ های که شفافیت آب را بر هم می؛ زند تا وظایف و تکالیف دولت همچنان در عمق بماند و البته ناپیدا!

رئیس؛ جمهور محترم در سخنرانی اخیر خود گفت: «علم و دانش و هنر مرزی را نمی؛ شناسد. آنها دوره؛ ای را می؛ خواستند علم سوسیالیستی درست کنند معلوم شد که ناموفق بودند. علم به نوع تفکر و ایدئولوژی وصل نمی؛ شود. در کشور جناح؛ بندی داریم اما نمی؛ توانیم بگویم علم ریاضی اصولگرایان و علم ریاضی اصلاح؛ طلبان. علم مرز نمی؛ شناسد عده؛ ای در کشور سال؛ ها فیزیک و شیمی اسلامی درست کردند، مقصود چیست؟ پول؛ های زیادی خرج شده است و وقت زیادی صرف شده است. جبر، جبر است. ریاضی هم ریاضی است. چه فرقی می؛ کند مگر ایدئولوژی و تفکر اسلامی اثر می؛ گذارد؟»

هنر کلیسا

درباره آنچه رئیس؛ جمهور گفته است سخن بسیار است. اما به طرح چند نکته موجز بسنده می؛ کنیم. نخست آنکه ای کاش رئیس؛ جمهور در اوقات فراغتش (چرا که مسئولیت ایشان اجرایی است نه علمی و پژوهشی) نگاهی گذرا به تاریخ هنر و سیر تحول هنر و مکاتب هنری غرب داشته باشد تا به این واسطه تقسیم؛ بندی؛ های نظیر «هنر کلیسا» را ملاحظه کند. پس فارغ از هر تبصره و ان قلتی این نوع تقسیم؛ بندی؛ ها و مرزبندی؛ ها در هنر وجود دارد.

این مرزبندی؛ ها گویای گرایش؛ ها و نگاه؛ های مختلف به هنر است. وقتی مقوله؛ ای مانند هنر دینی مطرح می؛ شود چون این موضوع بیشتر از فرم ناظر بر محتوا است، پس محتوایی که چنین هنری را می؛ سازد از قسمی است که آن را دینی نامیده؛ اند. ضمن آنکه این تقسیم؛ بندی در فرم هم جلوه می؛ کند چنان؛ که بیشتر؛ اشکال موجود در هنر معماری اسلامی (مانند شکل محراب) گویای سیر از کثرت به وحدت است.

از علوم انسانی نگفتید؟!

اما در موضوع علم رئیس؛ جمهور از علوم یاد کرده است که سخن از شق اسلامی آنها مطرح نبوده است. یا اگر بوده بر اساس تقسیم؛ بندی زمان بوده است؛ یعنی آن بخش از شیمی یا فیزیک که در دوره تمدن اسلامی به آنها پرداخته شده است. این تقسیم؛ بندی هم ناظر بر محتوای این علوم نیست.

در این میان شاخه؛ ای از علوم که به نام «علوم انسانی» مطرح است مشمول این ویژگی یعنی «اسلامی» شده است. علوم انسانی همان؛ طور که از نامش پیداست با انسان سرکار دارد. حال باید از رئیس؛ جمهور پرسید چگونه ممکن است علمی که سوژه شناخت آن «انسان» است، عقاید و سبک زندگی او در آن دخیل نباشد؟ برای نمونه علمی روابط آدمی را در جامعه بررسی می؛ کند و به مطالعه آن می؛ پردازد؛ حال در این علم روش؛ های شناخت سوژه و تحلیل آن و نتایج خروجی؛ اش در میان دو جامعه با فرهنگ؛ ها و اعتقادات کاملا مختلف می؛ تواند یکسان باشد؟ زمانی مسلمانان در قرن؛ های ابتدایی با هجوم فلسفه؛ های غیرتوحیدی مواجه شدند. همت و تلاش کسانی مانند فارابی و سپس ابن سینا سبب شد آن فلسفه غیرتوحیدی با عقاید توحیدی بازخوانی شده و حتی در عبور از مرحله بازآفرینی دانشمندان مسلمان بر آنچه از فلسفه یونان به آنها رسیده بود افزودند و آن را بارور کردند. در این باب باید این را هم متذکر شد که در غرب نیز این تقسیم؛ بندی هست چنانکه کسی مانند «آگوستین قدیس» یا «آکویناس» در تقسیم؛ بندی؛ ها در زمره فیلسوفان مسیحی غرب قرار دارند.

به غیر آنچه از رئیس؛ جمهور گفته شد، تازگی عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی پیرامون واکنش؛ های جامعه در محیط مجازی به سانحه سقوط هواپیما گفت: «جامعه ما در حال زوال اجتماعی است. هر حادثه؛ ای رخ می؛ دهد، به جای اصلاح فرایندها سریعاً دنبال یک نفر می؛ رویم که با او درگیر شویم.»

جملات وزیر راه بیشتر به نظریه؛ های اجتماعی شباهت دارد! که در این باب سؤال این است که آیا در فقره آتش؛ سوزی پلاسکو آخوندی و همکارانش خود به راهی نرفته بودند که امروز او از آن گلایه می؛ کند؟ ضمن آنکه دولتمردان بهتر است ارائه تحلیل؛ های جامعه؛ شناسانه را به اهلش بسپارند و خود به فکر راهی برای جلوگیری از تکرار این وقایع باشند، خصوصا در جاده؛ های کشور که به مراتب از آسمان سهمگین؛ تر است. برای صنعت خودروسازی چه کرده؛ اید؟

ضمن آنکه طرح مثال ماشینی که از سوی رئیس‌جمهور مطرح شد به غایت عجیب و غیرمنتظره بود! مگر کسی مدعی شده که با گذاشتن قرآن ماشین اسلامی می‌شود؟ یا مگر کسی مقوله تولید ماشین اسلامی را مطرح کرده است؟ عدم تمایز میان علوم انسانی و دیگر علوم خود بزرگ‌ترین محل ایجاد شائبه در سخنرانی رئیس‌جمهور بود که همان بسترهای حاشیه آفرین هستند. چنانکه تمام مثال‌های روحانی از علوم ریاضی و علوم طبیعی بود و حتی یک مورد از علوم انسانی گفته نشد.

با این وصف باید از رئیس‌جمهور محترم پرسید «هر وقت حاشیه سازی‌ها تمام شد ، بفرمایید برای مردم چه کاری کرده‌اید؟»

باید به دولتمردان یادآور شد که کسی از آنها توقع نظریه‌پردازی‌های علمی و تئوریک ندارد و بهتر است این کارها را به حوزه و دانشگاه بسپارند و مقوله‌های انتزاعی و تخیلی مانند «ماشین اسلامی» را رها کرده و بگویند در این پنج سال برای صنعت خودروسازی چه کار کرده‌اند؟ ایمنی و کیفیت خودروها چقدر افزایش یافته است و جز تعطیل کردن پایتخت و کلان شهرها چه تدبیر دیگری برای معضل مرگبار آلودگی هوا در چنته دارند؟

البته تا وقتی تریبون‌های پرسش از دولتمردان در دست همراهان کمپین‌های تبلیغاتی دولت است و سؤالات نشست‌های خبری هم گزینشی و با رویکرد پرهیز از چالش انتخاب می‌شوند، امید چندانی برای تغییر رویکرد حاشیه سازان و پاسخگویی به مطالبات اصلی مردم نیست.

روز نامه کیهان